





دانشگاه آزاد اسلامی
واحد مرودشت
دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

«M. A پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد مشاوره»

عنوان :

رابطه ی هوش هیجانی و ارتباط ولی - فرزندی با شیوه های
مقابله با استرس دانش آموزان راهنمایی شهر زرقان

استاد راهنما :

دکتر ژاله رفاهی

استاد مشاور :

دکتر سهیلا جاهدی

نگارش :

مهر آذر چراغی

زمستان ۱۳۸۹



صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد (M.A)

نام و نام خانوادگی دانشجو : مهرآذر چراغی در تاریخ ۸۹/۱۱/۲۳ در رشته : مشاوره
از پایان نامه خود با عنوان :

رابطه ی هوش هیجانی و ارتباط ولی - فرزندی با شیوه های مقابله با استرس دانش
آموزان راهنمایی شهر زرقان

با درجه عالی و نمره ۱۸ هیجده دفاع نموده است .

نام و نام خانوادگی اعضای هیات داور	سمت	امضاء اعضای هیات داور
۱- سرکار خانم دکتر ژاله رفاهی	استاد راهنما	
۲- سرکار خانم دکتر سهیلا جاهدی	استاد مشاور	
۳- سرکار خانم دکتر سوسن سهامی	استاد داور	
۴- سرکار خانم دکتر نادره سهرابی	استاد داور	
۵- جناب آقای دکتر سیامک سامانی	استاد ناظر	

مدیر / معاونت پژوهشی

مهر و امضاء

مراتب فوق مورد تایید است .

سپاسگزاری

بعد از حمد و ستایش خداوند منان ، بر خود لازم می دانم که از محضر استاد گرانمایه و مهربانم **سرکار خانم دکتر ژاله رفاهی** که با راهنمایی های علمی و اندرزهای بی شائبه شان در طول دوران تحصیل و در انجام این پایان نامه مرا حمایت کردند و کاستی های مرا با بزرگواری و تلاش اصلاح نمودند ، کمال تقدیر و تشکر را داشته باشم . همچنین از استاد مشاور **سرکار خانم دکتر سهیلا جاهدی** که با راهنمائیهای خویش در مسیر تدوین پایان نامه قبول زحمت نمودند، تشکر می نمایم.

از اساتید توانمند خود **سرکار خانم دکتر سوسن سهامی** و **سرکار خانم دکتر نادره سهرابی** که داوری این پژوهش را بر عهده داشته اند و **جناب آقای دکتر سیامک سامانی** ناظر محترم ، کمال تشکر و سپاسگزاری دارم .

تقديم به

پدر و مادر عزيزم

همسر مهربان و فرزند دلبندم

و همه كساني كه به من محبت داشته

و در اين راه همراهم بوده اند.

چکیده :

هدف این پژوهش بررسی رابطه ی بین هوش هیجانی و رابطه ولی - فرزندی با شیوه های مقابله با استرس دانش آموزان بود. روش پژوهش همبستگی از نوع توصیفی می باشد. نمونه پژوهش شامل ۱۲۹ نفر (۶۹ نفر دختر و ۶۰ نفر پسر) دانش آموز سال سوم مقطع راهنمایی شهر زرقان است که به روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند. متغیر وابسته در این پژوهش شیوه مقابله با استرس بود که با مقیاس شیوه های مقابله با استرس کارور و همکاران ارزیابی شد و متغیرهای مستقل این پژوهش هوش هیجانی و رابطه ولی - فرزندی بودند که به ترتیب با مقیاسهای هوش هیجانی شوت و مقیاس رابطه ولی - فرزندی (م ر و ف) ارزیابی شدند. یافته ها نشان می دهد که : بین هوش هیجانی و رابطه ولی- فرزندی با شیوه های مقابله با استرس مساله مدار رابطه معناداری وجود دارد (به ترتیب $r=0/545$ و $r=0/546$ ، $P < 0/001$). همچنین نتایج نشان داد، هوش هیجانی تبیین کننده شیوه های مقابله با استرس دانش آموزان می باشد ($R^2=0/17$). نتایج تی تست نشان داد میانگین هوش هیجانی دختران بیشتر از پسران است ($P < 0/001$ ، $t=3/27$). اما بین میانگین های نمرات دختران و پسران در رابطه ولی - فرزندی و شیوه های مقابله با استرس تفاوت معناداری وجود ندارد. به ترتیب $t=0/704$ و $t=1/28$). به طور کلی نتایج نشان می دهد که هوش هیجانی و رابطه ولی - فرزندی نقش مهمی در شیوه های مقابله با استرس فرزندان دارند و شیوه مساله مدار بیشتر در افراد با هوش هیجانی بالا و رابطه ولی - فرزندی بهتر دیده می شود. بنابر این لازم است والدین از تاثیر پرورش هوش هیجانی و نوع رابطه با فرزندان بر سلامت روانی ، رفتاری و رشد شخصیت فرزندانشان آگاهی لازم داشته باشند.

کلید واژه ها: هوش هیجانی ، رابطه ولی - فرزندی ، شیوه های مقابله با استرس، دانش آموزان

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول : طرح مساله

۲ مقدمه
۴ بیان مسئله
۷ اهمیت و ضرورت تحقیق
۹ اهداف (کلی ، جزئی و کاربردی)
۹ فرضیه کلی
۱۰ فرضیه های فرعی
۱۰ تعریف هوش هیجانی
۱۲ تعریف رابطه ولی - فرزندی
۱۳ تعریف شیوه های مقابله با استرس

فصل دوم : پیشینه تحقیق

۱۶ مقدمه
۱۶ تعریف استرس
۱۸ تعریف مقابله
۲۰ روشهای مقابله با استرس
۲۵ هوش هیجانی
۳۲ فرایند ارتباط

۳۶ انواع ارتباط
۳۹ رابطه ولی - فرزندی
۴۷ تحقیقات انجام شده داخلی
۵۱ تحقیقات انجام شده خارجی
۵۵ نتیجه گیری

فصل سوم : روش تحقیق

۵۷ مقدمه
۵۷ طرح پژوهش
۵۷ جامعه آماری
۵۷ نمونه و روش نمونه گیری
۵۸ ابزار اندازه گیری
۵۸ پرسشنامه هوش هیجانی شوت
۶۲ مقیاس رابطه ولی - فرزندی
۶۵ پرسشنامه سبک های مقابله ای
۶۷ روش تجزیه و تحلیل آماری

فصل چهارم : یافته های پژوهش

۶۹ یافته های توصیفی
۷۰ یافته های استنباطی فرضیه اول
۷۱ فرضیه دوم

۷۳ فرضیه سوم
۷۳ فرضیه چهارم
۷۴ فرضیه پنجم
۷۵ فرضیه ششم

فصل پنجم : بحث و نتیجه گیری

۷۷ مقدمه
۷۷ فرضیه اول
۷۹ فرضیه دوم
۸۲ فرضیه سوم
۸۴ فرضیه چهارم
۸۵ فرضیه پنجم
۸۷ فرضیه ششم
۸۹ محدودیت های پژوهش
۸۹ پیشنهادات
۹۱ منابع فارسی
۹۷ منابع خارجی

پیوست ها

فهرست جدول ها

صفحه	جدول ها
۲۸	جدول ۱-۲ خصایصی که گفته می شود هوش عاطفی را می سازند
۵۸	جدول ۱-۳ توزیع فراوانی و درصد افراد مورد مطالعه برحسب جنس
۶۹	جدول ۱-۴ حداقل، حداکثر، میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد مطالعه
۷۱	جدول ۲-۴ ماتریس همبستگی بین هوش هیجانی و شیوه های مقابله با استرس
۷۲	جدول ۳-۴ ماتریس همبستگی رابطه ولی فرزندی و شیوه های مقابله با استرس
۷۳	جدول ۴-۴ نتایج آزمون رگرسیون برای پیش بینی متغیر شیوه مقابله با استرس
۷۴	جدول ۵-۴ آزمون تی برای مقایسه گروه دختران و پسران در نمره هوش هیجانی
۷۴	جدول ۶-۴ آزمون تی برای مقایسه گروه دختران و پسران در رابطه ولی-فرزندی
۷۵	جدول ۷-۴ آزمون تی برای مقایسه گروه دختران و پسران در نمره شیوه مقابله

فهرست شکل ها و نمودارها

صفحه	شکل و نمودار
۳۰	شکل ۱-۲ نقش بالقوه ی هوش هیجانی در زندگی عادی
۴۲	شکل ۲-۲ نمونه ای از ارتباط والدین با فرزندان

فصل اول

طرح مساله

مقدمه :

دوره نوجوانی یک فرایند انتقالی از کودکی به بزرگسالی است که دشوار و پر کشمکش به نظر می رسد. نوجوان از یک طرف شاهد تغییرات جسمی و جنسی خود می باشد و از طرفی دیگر جامعه، خانواده و فرهنگ از اوانتظار استقلال و کسب مهارت های لازم برای زندگی شغلی و اجتماعی دارند که این عوامل مهارت هایی را برای سازگاری و کنار آمدن ایجاب می کنند (هیبتی ، ۱۳۸۱). نوجوانان با شرایط استرس زای مختلفی از مسائل روزمره گرفته تا اتفاقات بزرگ زندگی روبرو هستند (کمپاس^۱، ۱۹۸۷). آنها با مسائلی همچون مسائل مربوط به مدرسه ، مسائل خانوادگی مسائل بین فردی و اجتماعی و همچنین تصمیم گیری درباره آینده روبرو هستند. توانایی نوجوانان در تنظیم احساسات و رفتارهایشان تحت این شرایط استرس زا نشان دهنده رشد و پیشرفت آنها در کسب استقلال و کاربرد شیوه های مقابله ای در غلبه بر استرس می باشد (شولمان^۲ ، ۱۹۹۵). هنگامی که صحبت از استرس ها و شیوه های مقابله با آنها در مورد نوجوانان است ، محیط اجتماعی که شامل محیط خانواده نیز می شود باید مد نظر قرار گیرد (کمپاس، ۱۹۸۷). والدین با رفتارهای خویش در مقابله با مسائل و شرایط استرس زا و همچنین با توجه به کیفیت روابطی که با فرزندان خود دارند می توانند بر شیوه های مقابله با استرس فرزندان خود تاثیر گذار باشند مسلما کودکی که از طرف والدین پذیرفته شده و مورد محبت واقع شده دارای عزت نفس بالاتری است و در هنگام مواجهه با مسائل با دلگرمی با آنها مقابله می کند. هوش هیجانی^۳ و جنبه های جذاب و گسترده آن در دهه های اخیر علاوه بر روان شناسان و روان پزشکان توجه عموم را به خود جلب کرده است. به کارگیری مفهوم هوش اجتماعی برای اولین بار به دهه ۱۹۴۰ باز می

¹ - Compass

² - Shulman

³ - emotional intelligence(EI)

گردد. پس از آن مایر و سالووی^۱ اصطلاح هوش هیجانی را توصیف کردند. گاردنر^۲ با مدل تاثیر گذار خود به نام «هوش چند گانه»^۳ نقش عمده ای در شکل گیری نظریه هیجانی داشت. بر اساس نظریه چندگانه گاردنر دو نوع عمده هوش وجود دارد: اول هوش و آگاهی درونی فرد که اجازه شناسایی و افتراق احساسات پیچیده انسان را می دهد و دوم دانش و آگاهی در روابط بین فردی که توانایی شناخت و تمایز عواطف و انگیزه های دیگران را به وجود می آورد. سرانجام دانیل گلمن^۴ در پرفروشترین کتاب سال ۱۹۹۵ به نام هوش هیجانی این مفهوم را به صورت گسترده بیان کرده و به آگاهی عموم رساند (گلمن، ۱۹۹۵).

محیط خانواده اولین محل برای آموزش مهارت های هیجانی است این آموزش با گفتار و رفتار مستقیم والدین با کودکان و همچنین با الگوبرداری فرزندان از مهارت های هیجانی پدر و مادر صورت می گیرد. این آموزش موجب می شود کودکان در شناخت احساسات خود و ابراز این هیجانات به صورتی مناسب یافتن روشهایی برای آرام کردن خود و کنترل احساسات ناخوشایند همچنین توانایی درک احساسات دیگران و همدلی با آنان موفقتر باشند. برای این آموزش والدین خود باید از کفایت و هوش هیجانی لازم برخوردار باشند. (حدادی کوهسار، روشن و اصغر نژادفرید، ۱۳۸۵).

بیان مسئله:

تاثیر خانواده بر فرایند تحول چنان بارز است که با وجود اختلافات موجود بین صاحب نظران روانشناسی در زمینه اهمیت خانواده و تاثیر آن بر تحول نقطه اثر مشترک دارند. اکثر روانشناسان صرف نظر از مکتبی که به آن معتقدند کنشهای متقابل میان والدین و

1 - Mayer & Salovey
2 - Gardner
3 - multiple intelligence
4 - Goleman

فرزندانشان را اساس تحول عاطفی تلقی می کنند. (بالبی^۱ ۱۹۶۹ فروید^۲ ۱۹۶۴ به نقل از مهرابی زاده هنرمند ، نجاریان و بحرینی، ۱۳۷۹).

نحوه ارتباط والدین با کودکان قوی ترین عامل موثر بر الگوهای تعاملی خانواده محسوب می شود ، خصوصا در دوره هایی از زندگی کودکان که تحولات اساسی رشد روانی طی می شود. تحقیقات پیرامون آسیب های روانی کودکان نشان می دهد که بسیاری از خانواده ها از شیوه های تربیتی نامطلوب که منشا ترس ، عدم اعتماد، احساس نارضایتی، بدبینی و اضطراب در فرزندان آنها می شود استفاده می کنند (صدر السادات ، شمس اسفندآباد ، امامی پور، ۱۳۸۴).

در زمینه ارتباط میان راهبردهای مقابله ای و هوش هیجانی ، ماتیوس^۳ و زیندر^۴ هوش هیجانی را در انتخاب راهبرد مقابله ای سازگارانه موثر دانسته اند. برای نمونه، این احتمال وجود دارد که مصرف مواد که خود می تواند نوعی راهبرد مقابله ای به شمار رود ، پیامد هوش هیجانی پایین باشد (ترینداد و جانسون^۵، ۲۰۰۲؛ هانا و نیکلا^۶، ۲۰۰۳). رشد یافتن یافتن در یک محیط خانوادگی گرم و صمیمی بطور مثبتی با رشد روانی سالم در طول دوران نوجوانی مرتبط است (گروتوانت^۷ و کوپر^۸، ۱۹۸۶، به نقل از محمدی ، ترابی ، غرابی، ۱۳۸۷). (۱۳۸۷،

افرادی که درباره هیجان های خود آگاهی بیشتر دارند ، مهارت های بیشتری در مدیریت مشکلات هیجانی دارند و در مقایسه با افرادی که مهارت های کمتری دارند ،

-
- 1 - Balbi
 - 2 - Freud
 - 3 - Mathews
 - 4 - Zeinder
 - 5 - Johnson & Trinidad
 - 6 - Hannah & Nicola
 - 7 - Grotuan
 - 8 - Cooper

احساس سلامت روان بیشتری را تجربه می کنند. به این ترتیب ، افرادی که می توانند در یک موقعیت استرس برانگیز هیجان ویژه ای را در خود تشخیص دهند، زمان کمتری را صرف توجه به واکنش های هیجانی خود می کنند و منابع شناخت کمتری را به کار می گیرند (فرناندز- بروکال و اکستریمر^۱ ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶).

به این ترتیب با توجه به این که هوش هیجانی- اجتماعی ارتقاءپذیر است، اگر بتوان مولفه هایی از هوش هیجانی را شناسایی کرد که پیش بینی کننده سلامت روان هستند ، با مداخله در هوش هیجانی ، می توان امیدوار بود که سلامت روان نیز ارتقای یابد.(فتی ، موتابی، شکیب، باروتی، ۱۳۸۷).

بررسی ها نشان داده اند که چنان چه نوجوان به راهبردهای مقابله ای کارآمد مجهز نباشد و توانایی کمی برای درک هیجان های خود و دیگران داشته باشد در برخورد با فشارها و بحران های دوران نوجوانی توان کمتری خواهد داشت و مشکلات رفتاری بیشتری رابه صورت پرخاشگری افسردگی واضطراب نشان خواهد داد (الگار^۲، آرلت^۳ و گراوز^۴ ، ۲۰۰۳ ، ترینداد و جانسون ۲۰۰۲ سیاروچی^۵ ، دین^۶ و اندرسون^۷ ، ۲۰۰۲ و ویندل^۸ و ویندل ۱۹۹۶، به نقل از از محمدی و همکاران، ۱۳۸۷).

به عقیده بعضی از محققان شیوه های که نوجوانان در مقابله با رویدادهای استرس زا بکار می گیرند از طریق فرایند اجتماعی شدن کسب می شود که در این میان کیفیت رابطه والدین و نوجوانان نقش مهم ایفا می کند به عنوان مثال، واینر^۹ (۱۹۹۰) گزارش کرد که وجود

1 - Frnandez – Brrocal & Extremer

2 - Elgar

3 - Arlett

4 - Groves

5 - Ciarrochi

6 - Dean

7 - Anderson

8- Windle

9 - Wagner

وجود رابطه صمیمانه بین مادر و فرزند از نشان دادن واکنش منفی بچه ها در مقابله با استرس ها جلو گیری می کرد (هیبتی، ۱۳۸۱).

با توجه به ارتباط راهبردهای مقابله با استرس، با هوش هیجانی و رابطه ولی - فرزندی^۱ در کودکان و نوجوانان می توان الگوی کارآمدتری برای پیش گیری و درمان اختلال های رفتاری و روانی در نظر گرفت. از این رو پژوهش حاضر به منظور بررسی این پرسش ها می باشد که بین هوش هیجانی و رابطه ولی - فرزندی با الگو های مقابله با استرس چه ارتباطی وجود دارد؟ و همچنین وزن هوش هیجانی و رابطه ولی - فرزندی در پیش بینی شیوه مقابله با استرس چه اندازه است؟

اهمیت و ضرورت تحقیق :

راهبردهایی که فرد برای مقابله برمیگزیند بخشی از نیمرخ آسیب پذیری وی به شمار می روند. به کار بردن راهبردهای نامناسب در رویارویی با عوامل فشارزا می تواند موجب افزایش مشکلات گردد در حالی که به کارگیری راهبرد درست مقابله ای می تواند پیامد های سودمندی در پی داشته باشد. در همین راستا، اندا^۲، جاویدی، جفورد^۳، کوموروسکی^۴ و یانزال^۵ (۱۹۹۱) افزایش شمار نوجوانانی که خودکشی می کنند افسرده می شوند و یا به سوء مصرف مواد روی می آورند را به عنوان شواهدی از فشارهای روانی فزاینده و ناکارآمد بودن راهبردهای مقابله ای آنان در برخورد با این فشارها می دانند (محمدی و همکاران، ۱۳۸۷).

با توجه به نقش و اهمیت هوش هیجانی در زندگی خصوصی و بین فردی و مشکلات موجود در جهان حاضر، مطالعات عدیده بیانگر این است که زندگی بشر امروزه با استرس

1 - parent – child relationship
2 - Anda
3 - Jefford
4 - Komorowski
5 - Yanezal

های متعدد و پیچیده ای عجین شده است و توانایی مقابله با این استرس ها زمینه حفظ و تامین سلامت جسمی ، عاطفی و روانی شخص را تامین می کند و ناتوانی در تنظیم هیجان ها زمینه بروز بیماری های متعدد جسمی و روانی را فراهم می کند. در واقع موقعیت های استرس آمیز در ارتباط با دیگران یکی از عمده ترین منابع استرس و زمینه بروز معضلات پیچیده عاطفی و روانی می باشد. به این ترتیب آموزش توانمندی های هیجانی عامل مهمی در شکل گیری سلامت جسمی ، روانی و هیجانی افراد محسوب می شود (حدادی کوهسار و همکاران ، ۱۳۸۵).

با توجه به اهمیت مقابله و تاثیر آن در سلامت روان از یک سو و نقش هوش هیجانی در سلامت روان از سوی دیگر بررسی تاثیر این دو متغیر برای مفهوم سازی کارآمدتر هوش هیجانی و سلامت روان و رسیدن به الگوی گسترده تری برای تبیین سلامت روان سودمند است. با شناخت دقیق تر ارتباط راهبردهای مقابله ای و هوش هیجانی در کودکان و نوجوانان می توان الگوی کارآمدتری برای پیشگیری و درمان اختلالات رفتاری و روانی در نظر گرفت (محمدی و همکاران، ۱۳۸۷).

در حال حاضر در کشور ما وضع به گونه ای است که به علت ناآشنایی برخی از خانواده ها با مسائل بهداشت روانی و رشد فرزندان هر سال از میان کودکانی که وارد مدرسه می شوند گروهی دشواری های قابل توجه رفتاری عاطفی و شناختی دارند (مهرابی زاده هنرمند و همکاران ، ۱۳۷۹).

با توجه به مطالب ذکر شده در باب اهمیت هوش هیجانی و رابطه ولی - فرزندی و تاثیر آنها بر شیوه های مقابله با استرس نوجوانان در تحقیقات بعمل آمده و مشاهده شیوه های نادرست مقابله با استرس در نوجوانان شهر زرقان ، محقق بر آن شد تا از عوامل

مختلف به بررسی رابطه هوش هیجانی و رابطه ولی - فرزندی با شیوه های مقابله با استرس در نوجوانان شهر زرقان و تاثیر هر یک از این عوامل و قدرت پیش بینی کنندگی آنها را بررسی نماید.

اهداف کلی تحقیق :

تبیین رابطه بین هوش هیجانی و رابطه ولی - فرزندی با شیوه های مقابله با استرس دانش آموزان

اهداف جزئی :

- ۱- تبیین رابطه بین هوش هیجانی دانش آموزان با شیوه های مقابله با استرس
- ۲- تبیین رابطه بین ارتباط ولی - فرزندی با شیوه مقابله با استرس.
- ۳- تبیین میزان پیش بینی کنندگی شیوه مقابله با استرس از طریق هوش هیجانی و رابطه ولی - فرزندی.
- ۴- تبیین تفاوت بین هوش هیجانی، رابطه ولی - فرزندی و شیوه های مقابله با استرس دانش آموزان دختر و پسر.

اهداف کاربردی :

با استفاده از نتایج این پژوهش در مدارس آموزش و پرورش می توان با توجیه والدین در مورد نقش ارتباط صحیح آنها با فرزندان و آموزش مهارت های لازم در زمینه هوش هیجانی به دانش آموزان در مدیریت صحیح استرس به نوجوانان کمک کرد.

فرضیه کلی :

بین هوش هیجانی و رابطه ولی - فرزندی با شیوه های مقابله با استرس دانش آموزان رابطه معنا دار وجود دارد.

فرضیه های فرعی

- ۱- بین هوش هیجانی دانش آموزان با شیوه های مقابله با استرس آنان رابطه معنا دار وجود دارد .
- ۲- بین رابطه ولی - فرزندی با شیوه های مقابله با استرس رابطه معنا دار وجود دارد.
- ۳- هوش هیجانی و رابطه ولی - فرزندی پیش بینی کننده شیوه مقابله با استرس دانش آموزان می باشند..
- ۴- بین هوش هیجانی دانش آموزان دختر و پسر تفاوت معنادار وجود دارد.
- ۵- بین رابطه ولی - فرزندی دانش آموزان دختر و پسر تفاوت معنادار وجود دارد.
- ۶- بین شیوه های مقابله با استرس دانش آموزان دختر و پسر تفاوت معنادار وجود دارد.

تعریف مفهومی واژه ها

تعریف نظری هوش هیجانی :

هوش هیجانی به عنوان توانایی، ظرفیت و مهارت ادراک ، ارزیابی و مدیریت هیجانات فرد ، دیگران و یا گروهی از افراد توصیف شده است. (قائدی ، ثابتی ، رستمی ، شمس، ۱۳۸۷).

بار- ان^۱ و پارلیر^۲ (۲۰۰۰) کنترل استرس و توانایی انطباق را دو عنصر اصلی هوش هیجانی می دانند. به بیان دیگر مواجهه انطباقی ، ممکن است همانند هوش هیجانی در عمل، چیره شدن بر هیجان ها ، رشد هیجانی و تمایز شناختی و هیجانی شمرده شود که به فرد اجازه می دهد تا در یک دنیای پراز چالش رشد کند .

1 - Bare-on
2 - Parleer

هوش هیجانی با کیفیت ارتباطات میان فردی مرتبط است (پالمر^۱ و همکاران ، ۲۰۰۲ ، به نقل از شاهقلیان ، جان نثار شرق ، عبدالهی، ۱۳۸۵). افراد با هوش هیجانی بالا ارتباطات مثبت بیشتری با دیگران برقرار می کنند و تعاملات منفی کمتری با نزدیکان شان دارند (لپس^۲ و همکاران ، ۲۰۰۳). میزان رفتارهای اجتماعی و ارتباطات مثبت با اعضای خانواده نیز در آنان بیشتر می باشد (مایرو همکاران ، ۱۹۹۹).

تعریف عملیاتی

منظور از هوش هیجانی ، نمره ای است که از پرسشنامه هوش هیجانی شوت^۳ (SSRI) بدست می آید. این پرسشنامه شامل ۳۳ ماده می باشد که سه مقیاس را می سنجد.

۱. ارزیابی و ابراز هیجان^۴ دارای ۱۳ ماده (مانند فکر میکنم، درک پیام های غیرگفتاری دیگران مشکل است). دارای نمره حداقل ۱۳ و حداکثر ۶۵ می باشد.

۲. تنظیم هیجان^۵ دارای ۱۰ ماده (مانند من به دنبال فعالیت هایی هستم که مرا خوشحال می کنند). دارای نمره حداقل ۱۰ و حداکثر ۵۰ می باشد.

۳. بهره برداری از هیجان^۶ دارای ۱۰ ماده (مانند زمانی که تغییری درحالت هیجانی خود احساس می کنم، دوست دارم به ایده های نو دست پیدا کنم) دارای نمره حداقل ۱۰ و حداکثر ۵۰ می باشد.

1 - Palmer
2 - Lopes
3 - Schutte Self – Report Inventory
4 - appraisal and expression of emotion
5 - regulation of emotion
6 - utilization of emotion